



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على البشير النذير
والسراج المنير سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد صلى الله عليه
و آله و سلم و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين
سيما بقية الله فى الارضين والعن على اعدائهم اجمعين من
الآن الى قيام يوم الدين.

"إذا أراد الله بعبد خيراً ففقهه فى الدين"، بحث ما با توفيق
پروردگار متعال در موضوع "وقف" می باشد که یکی از
موضوعات بسیار مهم فقهی، روایی، تاریخی و قرانی ما
می باشد.

فقهاء ما نوعاً وقف را اینطور تعریف کرده اند: «و هو
تحييس الأصل و إطلاق المنفعة»، مثلاً انسان یک مزرعه
ای دارد تا وقتی که آن را وقف نکرده می تواند بفروشد یا
هبه کند یا آن را صلح کند و خلاصه هر نوع تصرفی قبل از
وقف برای واقف آزاد می باشد اما بعد الوقف "تحييس
الأصل" می شود یعنی دیگر هیچ تصرفی نمی تواند در آن
کند منتهی "إطلاق المنفعة" می شود یعنی عائدات آن
مزرعه را به موقوف علیه می دهد و برخی نیز گفته اند "و
تسبيل المنفعة" یعنی منافع و عائدات را سبیل و در راه
خداوند وقف کردن.

اما در عرف عام قران کریم این ماده "وقف" را در هرجائی
که استعمال کرده به معنای نگهداری، نگهداشتن و
بازداشتن معنی کرده است، مثلاً: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ
مُوقِفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ﴾^۱ ستمکاران در پیشگاه پروردگار
بازداشته و نگه داشته شده اند، ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقَفُوا عَلَىٰ

رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ﴾^۲ در پیشگاه خداوند نگه
داشته شده اند، ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا
لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳
نگه داشته شده اند در آتش، ﴿وَقَفُّهُمْ﴾^۴ إِنَّهُمْ
مَسْئُولُونَ﴾^۵ این "وقف يقف" از باب معتل الفاء واوى مثل
"وعد يعد" می باشد یعنی نگه دارید آنها را که مسئول
هستند، بنابراین در قران کریم ماده "وقف يقف" به معنای
نگهداری و نگه داشتن و بازداشتن استعمال شده است.

در المنجد معانی دیگری نیز برای ماده "وقف يقف" ذکر
شده که یکی از آن معانی که ظاهراً معمول نیز می باشد
این است که مثلاً گفته می شود شما بر این امر واقف
هستید یعنی مطلع و آگاه هستید پس معلوم می شود
"وقف يقف" به معنای "فَهُمْ و عِلْمٌ" نیز استعمال
می شود و همچنین در خواندن قران کریم وقف به معنای
توقف در مقابل وصل نیز استعمال می شود خلاصه معانی
متعددی در لغت برای وقف ذکر شده است.

نکته: ماهیت وقف همان عقدی است که إنشاء می شود
و ما بعداً خواهیم خواند و این تعاریف و معانی در واقع
لازم و ثمره ی همان عقد وقف می باشند.

فقهاء ما در کتب فقهی خودشان مثل تذکره و ریاض و
امثال ذلک برای اثبات وقف به ادله اربعه یعنی کتاب و
سنت و اجماع و عقل استدلال کرده اند که ما باید یک به
یک این ادله را مورد بررسی قرار بدیم.

اما "کتاباً" دو دسته از آیات قران کریم ذکر شده است،
مثلاً در جلد ۷ ریاض طبع جدید دو آیه ذکر شده؛
اول: ﴿وافعلوا الخیر﴾^۶ و دوم: ﴿و ما تنفقوا من خیر
فلا أنفسکم﴾^۷، به نظر بنده ذکر آیات به این صورت

^۱ سوره انعام، آیه ۳۰.

^۲ سوره انعام، آیه ۲۷.

^۳ سوره صافات، آیه ۲۴.

^۴ آیه ۷۷، سوره حج.

^۵ آیه ۲۷۲، سوره بقره.

^۶ سوره سبأ، آیه ۳۱.

اشکال دارد زیرا بحث ما در صغری یعنی اینکه آیا وقف مشروعیت دارد یا اینکه ثواب دارد یا فضیلت دارد یا نه می باشد اما این آیات کبری را ذکر کرده اند و استدلال و تمسک به کبری برای اثبات صغری صحیح نیست مثلاً ما شک داریم که زید عالم است یا نه و بعد تمسک کنیم به "اکرم العالم" و بگوئیم زید واجب الاکرام است که این درست نیست زیرا ما شک داریم که اصلاً زید عالم است یا نه پس تمسک به کبری برای اثبات صغری صحیح نمی باشد، و اما مقدس اردبیلی نیز در "زبدة البیان" می فرماید ما آیات زیادی در این رابطه داریم من جمله این آیه شریفه: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۷ و یا این آیه شریفه: ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْراً وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۸ و یا این آیه شریفه: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ﴾^۹ در تفسیر المیزان مطالب خوب و مفصلی در تفسیر این آیه شریفه ذکر شده که مراجعه و مطالعه بفرمائید، علی ای حال تمام این آیاتی که مقدس اردبیلی نیز ذکر کرده کبریات می باشند و ما نمی توانیم به کبریات برای اثبات صغریات تمسک کنیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرين

^۷ سوره آل عمران، آیه ۹۲.

^۸ آیه ۲۰، سوره مزمل.

^۹ سوره بقره، آیه ۱۷۷.